

اولف اکمن



شنیدن صدای خدا

شما می توانید آنچه را که خداوند می گوید بشنوید

این کتاب درباره این موضوع که چگونه شما می توانید به وسیله روح خدا هدایت شوید، صحبت می کند. خداوند می خواهد که شما را به وسیله روحش هدایت کند. زمانی که به وسیله او هدایت می شوید، هیچ محدودیتی برای کارهایی که خداوند از طریق شما انجام می دهد وجود ندارد. خداوند برای محدودیت های شما نگران نیست و شما هم نباید نگران باشید. ما کوزه هایی گلی هستیم اما خداوند جلال خود و روحش را در ما ساکن کرده است. او می خواهد که جلالش از طریق ما آشکار شود و ما بیاموزیم که به وسیله روح القدس هدایت شویم.

درک و تصویری غلط از هدایت خدا

در رومیان ۱۲: ۲ می خوانیم: «و هم شکل این جهان مشوید بلکه به تازگی ذهن خود، صورت خود را تبدیل دهید تا شما دریافت کنید که اراده نیکوی پسندیده کامل خدا چیست».

با خواندن کتاب مقدس برای بسیاری از مسیحیان نظیر سؤالات زیر مطرح می گردد: اراده خدا چیست؟ چگونه می توانیم اراده خدا را برای زندگی ام کشف کنم؟ چگونه می توانم در اراده او زندگی کنم؟

خداوند می خواهد که جوابی کاملاً روشن و البته مختصر در مورد این سؤال ها به شما بدهد. خیلی ها عقیده دارند که دانستن آنچه خواست و اراده خداست، کار بسیار مشکلی است. آنها فکر می کنند برای رسیدن به این درک به سال ها وقت نیاز است و بالاخره هنگامی که به این درک می رسند، از این که یک حرکت اشتباه همه چیز را خراب کند، دچار هراس می شوند. این وضعیت مثل این است که آنها در حال راه رفتن روی یک طناب بسیار باریک برای ماندن در اراده خدا هستند. آنها باید خیلی با دقت راه

بروند، حتی یک قدم اشتباه می تواند باعث سقوطشان شود. ترس آنها از این است که این سقوط مرگبار می تواند در هر وقتی اتفاق افتد و خدا هم که بسیار عظیم و مقدس است، هیچ گونه نجاتی برپا نکرده است.

این طرز فکر کاملاً اشتباه است و از خداوند نیست. این تصویری از راه رفتن در اراده خداوند است که شیطان می خواهد به شما ارایه دهد. اما این تصویر به هیچ وجه با آنچه کتاب مقدس می گوید، سازگاری ندارد و من نیز می خواهم به شما کمک کنم تا از هر تصویر اشتباهی آزاد باشید.

خداوند می خواهد اراده خود را برای شما آشکار کند

کتاب مقدس می گوید که شما می توانید بفهمید اراده خدا چیست و این فقط یک دلخوشی نیست. رومیان ۱۲: ۲ می گوید که شما واقعاً می توانید اراده خدا را بدانید و خداوند خواستار آن است و نمی خواهد که آن را از شما پنهان کند. خداوند مشتاق است که اراده خود را برای شما آشکار سازد. او روح خود را به شما بخشید تا هر آنچه را که دریافت کرده اید، آشکار کند. او نمی خواهد که شما تنها به این آگاهی برسید که چه چیز خوب یا قابل قبول است، بلکه خواستار آن است تا شما آنچه را که عالی است بدانید.

خدا اراده ای عالی برای زندگی ما دارد. ممکن است ما همیشه در اراده عالی خدا نباشیم ولی هنگامی که در اراده او زندگی می کنیم، برکت ها در زندگی مان به شکل خارق العاده ای افزایش می یابد.

در ملکوت خدا اسارت و بندگی وجود ندارد

روح خدا می خواهد به ما کمک کند تا در اراده او زندگی کنیم. در رومیان ۸: ۱۴ می خوانیم: «زیرا همه کسانی که از روح خدا هدایت می شوند، ایشان پسران خدا/یند».

فعل «هدایت کردن» با «به کاری واداشتن» کاملاً متفاوت است. روح

القدس ما را هدایت می کند، اما شیطان مردم را مجبور به انجام کارهایی می کند. خدا دائماً به وسیله روحش هدایت می کند از آن رو که روح بندگی را نیافته اید تا باز ترسان شوید... (رومیان ۸ : ۱۵). شما روح بندگی را دریافت نکرده اید که شما را به اسارت آورد و شما را مجبور کند تا کاری را انجام دهید که روح شما آن را نمی پذیرد. خدا شما را تهدید نمی کند و همچنین شما را نمی ترساند. او نمی گوید: «اگر مرا اطاعت نکنی، تو را محکوم می کنم و سپس تو را رها خواهم کرد و دیگر با تو هیچ کاری نخواهم داشت». خداوند این گونه با ما صحبت نمی کند.

ترس و اسارت از شیطان است. او تهدید می کند و می گوید: «اگر تو این کار را نکنی، خدا هرگز خود را بر تو آشکار نخواهد کرد». این طور نیست، در ملکوت خدا هیچ محکومیتی وجود ندارد. ما روح بندگی را نیافته ایم که ما را به اسارت شیطان، گناه و یا انسانی دیگر در آورد. ما روح پسرخواندگی را یافته ایم که به خدا «ابا» یعنی «ای پدر» بگوییم.

او در شما ساکن شده است

همان روح بر روح های ما شهادت می دهد که فرزندان خدا هستیم (رومیان ۸ : ۱۶). این آیه درباره دو چیز که از هم مجزا هستند، صحبت می کند. اول روح خدا / دوم روح شما. کتاب مقدس می گوید هنگامی که شما از نو متولد شدید، از روح مولود گردیده اید. شما دارای روح هستید، خدا روح است و هر که او را پرستش کند می باید به روح و راستی بپرستد. (یوحنا ۴ : ۲۴)

شما یک روح بوده، یک جان دارید و در یک جسم زندگی می کنید. این سه قسمت از شما یک تثلیث (یکان سه بخشی) می سازد. خدا سه است در یک و شما شبیه او ساخته شده اید.

وقتی که شما توسط خدا از نو متولد شدید، او شما را در مسیح عیسی

یک مخلوق جدید ساخت و روح او در روح شما که قبلاً مرده بود، ساکن شد. ظاهر و جسم شما مانند قبل از زمان تولد تازه است. در تولد تازه جسم تغییری نمی کند، به جز تغییرات کوچکی، مثل لبخندی بر لب ها و درخششی در چشم های شما. این روح شماست که از نو متولد شده است و روح خداوند در روح شما ساکن گشته. کتاب مقدس می گوید: بدن شما هیکل روح القدس است، هیکل خدا. (اول قرنتیان ۳ : ۱۶) و (۶ : ۱۹)

بدن شما هیکل خداست

هیکل در عهد عتیق از سه قسمت تشکیل شده بود: حیاطی که غیر یهودیان نیز امکان ورود به آن را داشتند، مکان مقدس و قدس الاقداس. در قدس الاقداس بود که خدا خود را با تمام جلالش آشکار می نمود. ابر جلال روح خدا بر هیکل سایه می افکند. جلال خدا، قدرت، شکوه و عظمت او در آن جاری بود، در آن هنگام که کاهن اعظم تنها یک بار در سال وارد قدس الاقداس می شد. امروز دیگر خدا در هیکلی که توسط دست بشر ساخته شده است، ساکن نمی باشد. او از هیکل بیرون آمد و در هیکل دیگری ساکن شد، در جسم مسیح.

آن هیکل فقط بدن جسمانی مسیح نبوده بلکه بدن مسیح به مفهوم ایمان داران نیز هیکل خداست. بدن شما هیکل خدا شده است، روح خدا در شما که عاری از جلال بود، ساکن شده است. شما از نو متولد شده اید و اکنون جلال خدا در شما ساکن است.

کتاب مقدس درباره دو شخص صحبت می کند: انسانیت باطنی و انسانیت ظاهری شما. عبارت «خلقت جدید»، «دل شما»، «روح شما» و «انسان جدید» همگی به یک چیز مربوط هستند، یعنی باطن و ذات حقیقی شما. ذات حقیقی شما همان انسانیت درونی (روح) شماست که مطابق کتاب مقدس به شکل عجیبی خلق شده است. (کولسیان ۲ : ۹ و ۱۰) این انسانیت

درونی توسط خداوند کامل و پاک خلق شده و جلال خداوند تنها در این قدس الاقداس جدید ساکن است. این بدان معناست که شما با خداوند که در شما ساکن است، راه می روید. پس خداوند چگونه خدایی است؟ او سرشار از عشق و محبت و حکمت است و قدرت خارق العاده ای دارد. او حضور عجیب خود را بین کسانی که او را دوست دارند، تقسیم می کند. آن قدرت، حکمت و آن حضور توسط روح القدس در روح شما قرار دارد.

شما هرگز تنها نیستید!

روح خدا در شما ساکن است، درک این حقیقت بسیار مهم است و این که به خاطر آن خداوند را حمد گوئید. هنگامی که با تمامی وجود این موضوع را درک کردید، متوجه می شوید که هرگز تنها نیستید. او خداوندی نزدیک است. احتیاجی نیست که شما گیج و سردرگم شوید، چون خداوند حکمت شماست و احتیاجی نیست که برای انجام کارهایی که خداوند از شما می خواهد، احساس کمبود قدرت کنید. زیرا شما در او که شما را تقویت می بخشد، قدرت انجام هرکاری را دارید. (فیلیپیان ۴: ۱۳)

کتاب مقدس به مبارزه ای که بین روح و جسم است، اشاره می کند. مبارزه ای بین انسانیت درونی و انسانیت ظاهری شما. شیطان سعی می کند تا آنچه را که خواست خداست، از شما مخفی کند و از راه رفتن شما در اراده خدا جلوگیری نماید. این نکته که انسانیت درونی (روح) شما شخص حقیقی است، بسیار اهمیت دارد و فقط یک احساس نیست، بلکه شخصی حقیقی است یعنی طبیعت و ذات شما. کتاب مقدس می گوید که انسانیت درونی یا دل شما دارای چشم است. پولس دعا می کند: «تا خدای خداوند ما عیسی مسیح که پدر ذوالجلال است، روح حکمت و کشف را در معرفت خود به شما عطا فرماید تا چشمان شما روشن گشته، بدانید که امید دعوت او چیست و کدام است دولت جلال میراث مقدسین». (افسیسیان ۱: ۱۷ و ۱۸) همچنین

انسانیت درونی شما (روح) دارای گوشه‌ای است برای شنیدن هر آنچه که روح می‌گوید و دارای دهانی است که با شما درباره هر آنچه خدا گفته است صحبت می‌کند.

در عهد عتیق هنگامی که خدا در هیکل ساکن می‌شد، سخن می‌گفت و فرامین خود را به کاهن اعظم می‌داد و کاهنین نیز آنها را به مردم اعلام می‌کردند. این حالت امروزه نیز برای شما وجود دارد، چراکه به وسیله روح القدس _ سومین شخصیت تثلیث اقدس _ ، خدا فرامین خود را برای شما در قدس الاقداس خودتان آشکار می‌کند. پس از آن روحتان فرمان و اراده خدا را به جان و جسم شما می‌گوید و به همین طریق است که ما توسط روح خدا هدایت می‌شویم.

شما هدایت خدا را زمانی دریافت خواهید کرد که

خود را کاملاً به او تقدیم کنید

ما اغلب می‌اندیشیم که تماس با روح القدس عجیب و مثل یک انفجار شدید می‌باشد. ما معتقدیم خدا با صدایی کاملاً رسا سخن می‌گوید. ما از بسیاری شنیده ایم که در موقعیت‌های مختلف توسط خداوند هدایت شده‌اند. آنها می‌گویند که «خدا با من سخن گفت» و ما شگفت زده می‌شویم، اما چگونه این امر در هر کجای جهان می‌تواند اتفاق افتد؟!

از این گونه تفکرات دست بردارید که «خدا هرگز با من صحبت نمی‌کند. من باید کاملاً کر باشم، من حتماً در اراده خدا زندگی نمی‌کنم، چون اگر در اراده او زندگی می‌کردم می‌توانستم صدای او را بشنوم و توسط او هدایت شوم، من فقط یک شخص معمولی هستم و هیچ چیز خاصی ندارم». خواست روح القدس آموزش و راهنمایی شماست تا نشان دهد که چگونه می‌توانید توسط او هدایت شوید. روح القدس در سوئد، امریکا، کره، اندونزی و

همچنین در کشور شما مردم را هدایت می کند. روح خدا در همه جا یکسان است. او مثل گذشته همواره ما را هدایت می کند. اما شما برای این که توسط روح القدس هدایت شوید، باید در اراده خدا زندگی کنید. کتاب مقدس درباره چیزی به نام «اطاعت» که از ایمان می آید، سخن می گوید. این هنگامی است که شما خود را کاملاً به او تقدیم می کنید و می گویید «هر آنچه را که اراده توست، خواستارم».

اگر شما در این اعتراف کاملاً صادق باشید، به سادگی می توانید در اراده خدا زندگی کنید. هنگامی که می توانید بگویید: «من می خواهم هر آنچه را که خدا می گوید، انجام دهم» شما در اراده او هستید.

این بدان معنا نیست که شما کاملاً بی عیب و کامل هستید و همیشه همه چیز را درست انجام می دهید. بلکه به این معناست که قلب شما در اختیار خداست و عیسی خداوند شما می باشد، نه فقط صبح های یکشنبه، بلکه در تمامی روزها او خداوند شماست. «خداوند من هر آنچه را تو بخواهی، انجام می دهم، حتی اگر کاملاً برخلاف تصور و میل من باشد. چون می خواهم که با روح تو هدایت شوم». همچون یک اعتراف! و این اولین گام است و آیا آماده هستید!؟

اگر شما در بعضی از قسمت های زندگی تان سرسخت و نا فرمان هستید، روح القدس می خواهد که شما را به اطاعتی که از ایمان است، هدایت کند. برخی از افراد تا زمانی که بیرون نروند و بشارت ندهند، شفا نمی گیرند. این بدان معنا نیست که شما بگویید من تا به حال ۱۵ بار بشارت داده ام، پس باید شفا پیدا کنم. این به آن معناست که شما قلبی دارید که بسیار مشتاق است برای بشارت دادن به دیگران، پس وقتی که اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلید، باقی چیزها به شما عطا خواهد شد. (متی ۶: ۳۳)

تصمیم بگیرید که دیگر شرایط مختلف، مردم، احساسات و علم بشری

شما را در زندگی هدایت نکند و تصمیم بگیرید که توسط روح خدا هدایت شده و از رحمت دایمی او برخوردار گردید. وقتی که شما می پذیرید که عیسی خداوند شما باشد، خدا نیز هدایت خود را توسط روحش در زندگی تان آغاز می کند.

منتظر چه کسی هستید؟

ما باید از طرز فکر «یک جا نشستن و منتظر ماندن» رها شویم. نباید فقط بنشینید و منتظر باشید تا خدا کاری را انجام دهد، چرا که خدا قبلاً همه چیز را مهیا کرده است و اکنون وقت آن است که شما این موضوع را درک کرده و آزاد شوید. خدا قبلاً همه چیز را از طریق عیسی مسیح انجام داده و کامل کرده است.

بزرگ ترین مأموریتی که عیسی به ما سپرده است، این است که بیرون رفته و نجات او را بشارت دهیم. او بردست راست پدر نشست، اگر او نشسته است و شما هم بنشینید، هیچ اتفاقی نمی افتد و نمی شود وقت را به بطالت گذراند. در حالی که او نشسته است، شما باید برخیزید و بروید. عیسی می گوید: «من بر دست راست پدر نشسته ام، بنابراین به بیرون بروید».

شما نمی توانید بیهوده منتظر شوید تا خدا کاری انجام دهد. زیرا او در آسمان نشسته است و منتظر است تا شما کاری انجام دهید! او منتظر است که شما به اطاعتی که از روی ایمان است، برسید. وقتی که شما بر می خیزید و برای بشارت بیرون می روید، قدرت خدا در زندگی تان نمایان است. تصور کنید که جسم شما مثل یک ماشین مدل جدید است، یک ماشین درخشان! شخصی که در ماشین نشسته است، روح شما یا همان انسانیت باطنی شماست. شما فرمان را به چپ و راست می گردانید و پدال گاز را تا آخر فشار می دهید اما هیچ اتفاقی نمی افتد! ماشین حرکت نمی کند. این موضوع هیچ اهمیتی ندارد که شما چند بار به ماشین فرمان می دهید یا چه

قدر التماس می کنید، تا زمانی که شما استارت نزنید و موتور را روشن نکنید، هیچ اتفاقی نمی افتد. در حرکت فقط یک بار می توانید به چپ یا به راست بپیچید.

هدایت شدن

هنگامی که شما در پیش رفتن و حرکت از روح القدس اطاعت می کنید، روح خدا فرمان را در دستان خود می گیرد. اگر فقط بنشینید و منتظر باشید، هیچ اتفاقی نمی افتد. بعضی از افراد تنها می نشینند و یک عمر منتظر می مانند. اما کسی که برخیزد و بگوید: «من تا به حال خیلی چیزها شنیده ام و اکنون باید کاری انجام دهم»، چنین شخصی یک گام پیش رفته است.

برادری را به یاد می آورم که سال ها درباره بشارت مسیح مطالعه می کرد، وقتی که برای اولین بار بشارت داد من افتخار این را داشتم که با او باشم. ما زنگ اتاق دختری را که در خوابگاه دانشجویان زندگی می کرد، زدیم. او نگران بود، چون با این که کتاب های زیادی درباره بشارت مسیح خوانده بود، تا به حال به هیچ کس بشارت نداده بود. در ابتدا در رابطه با پخش کردن انجیل ها نیز مشکلاتی داشت، اما این کار از زمانی که صحبت کردن را آغاز کرد خیلی آسان تر شد. سرانجام ما با آن دختر صحبت کردیم و مژده نجات را به او رساندیم و جواب آن دختر به ما این بود: «من هم اکنون دیدم که او چگونه عمل می کند و می خواهم که به او ایمان بیاورم». دوست من تقریباً از هیجان داشت از روی صندلی می افتاد، او به سختی می توانست اتفاقی را که افتاد، باور کند. آن دختر به عیسی مسیح ایمان آورد، تولد تازه یافت و در طی شش ماه به طرز فوق العاده ای در ایمانش رشد کرد.

او با اشتیاق فراوان و با قدرت به خانواده و دوستانش بشارت داد و همه جا درباره عیسی مسیح صحبت می کرد. همه اینها از زمانی شروع شد که

این برادر به آن چیزهایی که مطالعه کرده بود، عمل کرد و درباره آنها با آن دختر سخن گفت. دلیل این موضوع که آن دختر به سرعت در ایمانش رشد کرد، این بود که تعلیم نگرفته بود که یک جا بنشیند و منتظر باشد تا خدا کاری را انجام دهد، بلکه او درباره عیسی مسیح با مردم صحبت می کرد. او به شکل قابل توجهی در ایمانش رشد کرد چون به اطاعتی رسید که از روی ایمان بود.

اغلب مسیحیان رشد روحانی چندانی ندارند، چرا که هر آنچه دارند برای خود نگاه می دارند و آن را به بیرون انتقال نمی دهند. ما اغلب می نشینیم و منتظر می شویم تا خدا کاری انجام دهد، در صورتی که همه چیز را از قبل مهیا ساخته است و از ما می خواهد تا کاری انجام دهیم. وقتی که شما عمل می کنید، می توانید قدرت خدا را درک کنید. وقتی دست بر بیماری می گذارید، قدرت خداوند از طریق شما جاری خواهد شد و این اتفاق نمی افتد مگر زمانی که اطاعت کنید و دستتان را بر آن بیمار بگذارید. تنها در این صورت قدرت خداوند آشکار خواهد شد و مردم شفا خواهند گرفت.

از نجوای دروغ بر حذر باشید

نباید دروغ های شیطان ما را فریب دهد و باعث نگرانی ما گردد. او تهدید می کند که «حالا وقتش نیست، منتظر باش تا مقدس تر شوی، سخت نگیر وقتی که همه چیز به غلط پیش می رود». ما می توانیم ترسان شویم از این که اشتباهی انجام دهیم، در این صورت دیگر نمی توانیم حتی یک گام هم پیش رویم. این تفکر مغرور بودن ما را آشکار می کند. ما می ترسیم از اینکه اشتباهی انجام دهیم و مردم ما را سرزنش کنند. ممکن است ما اشتباه کنیم، اما مهم ترین مسأله این است که ما بر طبق کلام خدا عمل نماییم. اگر شما انگیزه های سالم و درستی داشته باشید، روح القدس شما را در انجام کارهایتان هدایت می کند و اجازه نمی دهد راه نادرست را انتخاب و در زمان

نامناسب حرکت کنید. او از شما محافظت می کند و می گوید: «پیش برو!» در واقع مشکل ما این نیست که با سرعت به جلو پیش می رویم، بلکه مشکل این است که وقتی روح القدس به ما می گوید: «برو»، ما اطاعت نمی کنیم.

آیا روح شما به سختی می شنود؟

دو نکته بسیار مهم درباره شنیدن صدای روح القدس وجود دارد. روح شما صدایی دارد. در رومیان ۸: ۱۶ میخوانیم که همان روح بر روحمای ما شهادت می دهد که فرزندان خدا هستیم. روح ما شهادت می دهد که فرزندان خدا هستیم. روح شما نه تنها بر این موضوع که فرزندان خدا هستید شهادت می دهد بلکه بر چیزهای عالی بی شمار دیگری نیز شهادت می دهد. خدا قومش را توسط روحش که در روح های آنها ساکن است هدایت می کند. بر طبق گفته کتاب مقدس همه از کوچک و بزرگ خدا را خواهند شناخت. خدا از طریق روحتان با شما صحبت می کند، این طریق اصلی هدایت الهی است. مشکل در این نیست که صحبت کردن برای روح دشوار باشد بلکه برای روح های شما سخت است که بتواند آنچه خدا می گوید را درک کرده و اجازه دهد تا آن پیام به جسم و جان و اراده و احساسات شما برسد. در رومیان ۱۲: ۲ می خوانیم که فکر و جان ما بر اساس خدا احیا خواهد شد و دیگر تحت تأثیر و حاکمیت این جهان نخواهیم بود. متأسفانه این جهان بر ما تأثیر می گذارد، چیزی که منفی و بسیار مخرب است. این دنیا می خواهد به شما بقبولاند که بی ارزش هستید و وعده های خدا برای شما عملی نخواهد شد. دنیا بر این مسئله پافشاری می کند که کلام خدا هیچ رابطه ای با زندگی شما ندارد و در واقع خدا شما را ترک کرده است. تفکر غالب بر دنیای کنونی ما اینچنین است، اما روح خدا هرگز به این طریق صحبت نمی کند.

کلام خدا برای گوش هایی که نمی شنوند

صداهاى زيادى وجود دارند كه شما مى توانيد به آنها توجه نماييد. دنيا صحبت مى كند، جسم صحبت مى كند، شيطان صحبت مى كند و روح خدا نيز صحبت مى كند. معمولاً صدايى كه از همه بلندتر است توجه را جلب مى كند و درست به همين علت است كه بايد در روح رشد كنيد. شما احتياج داريد تا فكرتان را احيا نماييد و آن را با كلام خداوند كه غذاى روح است پر سازيد. كلام خدا شامل افكار خداست، هنگامى كه افكار خدا را مى خوانيد، آنها تبديل به افكار خود شما مى شوند.

كتاب مقدس مى گويد: ما فكر مسيح را داريم. (اول قرن نيام ۲: ۱۶) روح خدا در افكار ما جستجو مى كند و همه چيز حتى عمقهاى خدا را نيز تفحص مى كند. ما مى توانيم آنچه ر كه خدا مى گويد بشنويم زيرا ما گوسفندانى هستيم كه صداى شبان خود را مى شناسيم. مسلماً فكرهاى خدا فوق افكار ماست و ما قادر نيستيم همه چيز را درك كنيم، اما عيسى در ما ساكن است و او حكمت ماست. ما روح خدا را دريافت کرده ايم و آن روح در ما ساكن شده ما را به جميع راستى هدايت خواهد كرد و درباره وقايع آينده ما را مخبر خواهد ساخت. عيسى مى گويد شما گوسفندانى هستيد كه صداى شبان خود را مى شنويد. شما مى توانيد در هر شرايطى بوسيله روح خدا هدايت شويد به شرطى كه خود را كاملاً به عيسى مسيح بسپاريد و بر خود متكى نباشيد. شما بايد در مورد تمام تصميمات و افكارى كه ساخته ايد تجديد نظر كنيد. اگر اجازه داده ايد تا اعتبار و شهرت شما را هدايت نمايد و يا بواسطه حرفهايى كه ديگران ممكن است درباره شما بزنند ترسان هستيد، بايد فكرتان را عوض كنيد، در غير اين صورت نمى توانيد از روح خدا هدايت شويد. پيش رفتن با اعتبار و شهرت يك تفكر دنيوى است و تنها دنيا آنرا مى پسندد. اگر از روح خدا هدايت نشويد بركت و تقدس خدا

در زندگی شما نخواهد بود. اگر روح خدا چیزی کاملاً متفاوت با افکار و نقشه های ما به ما بگوید باید تمام آن نقشه ها را در ذهنمان باطل کنیم. برای ما گرفتن چنین تصمیمی در مسائل مهم زندگی بسیار دشوار است، چرا که ما عموماً به ذهن محدود و اعتبار انسانی خود متکی هستیم.

اشتیاق من مورد آزمایش قرار گرفت

روزی در جایی بودم که حاضرین جلسه با تعمید روح القدس موافق نبودند. روح خدا به من گفت که باید درباره تعمید در روح برای حاضرین صحبت کنم. من به خداوند گفتم اگر من درباره چیزی که این اشخاص اصلاً به آن اعتقاد ندارند صحبت کنم خشم آنان را برخواهد انگیخت. اما روح خدا باز همان پیغام را تکرار کرد. سرانجام به این کار رضایت دادم و در رابطه با آن موضوع برای آن افراد موعظه کردم. اما به تدریج موعظه من تبدیل به موعظه ای تعلیمی درباره شفا از آسیبهای گذشته و موارد دیگر بدل گردید آنچنان که در پایان موعظه در حضور خدا اعتراف کردم که موعظه اصلی درباره تعمید در روح را فراموش کرده ام. خداوند فرمود: «من می خواستم اشتیاق تو را به اطاعت مورد آزمایش قرار دهم. اگر تو اشتیاق به اطاعت داشتی حتی اگر آن چیز بر خلاف میل جمع بود من می توانستم از تو استفاده نمایم. به آن برادر دیگر بگو تا درباره تعمید روح موعظه کند زیرا که او عضو گروه ایشان است. آنان به او اعتماد دارند.»

من این موضوع را با آن برادر در میان نهادم، او به سختی آشفته شد به حدی که تمام شب را بیدار بود. سرانجام وقتی درباره تعمید در روح موعظه کرد نتیجه حاصل بسیار شگفت آور بود. بعد از ده دقیقه موعظه بیش از سی نفر از روح پر شدند و تعمید یافتند. علت این بود که ما کاملاً مطیع بودیم.

ممکن است در شرف گرفتن تصمیم مهمی باشید و در این راستا مشتاقانه اراده خدا را بطلبید، و حتی برای پی بردن به اراده او تمام شب را

بیدار باشید، آنگاه خداوند به شما می گوید «حال چون می دانم که قلبت مشتاق و آماده است تو را به جمیع راستی هدایت خواهم کرد».

خدا مستقیماً با شما صحبت می کند!

باید به این حقیقت مسلم توجه نمود که خدا شما را نه به وسیله افراد دیگر بلکه توسط روح خود هدایت می نماید. خدا می تواند از طریق افراد دیگر با شما سخن بگوید اما هنگامی که خودتان به آن اعتماد و یقین برسید که خدا خواستار سخن گفتن با شماست، او خود مستقیماً با شما صحبت خواهد کرد. در عهد عتیق خدا از طریق پیامبران خود با مردم سخن می گفت، چراکه ایشان هنوز تولد تازه پیدا نکرده بودند. به عنوان مثال موسی با دریافت ده فرمان، از طرف خدا به مردم اعلام کرد که چگونه باید رفتار نمایند. اما در عهد جدید او به همین اطمینان داده است که: «کوچک و بزرگ مرا خواهند شناخت».

هر که در آن راه سالک شود اگرچه هم جاهل باشد گمراه نخواهد گردید. (اشعیاء ۳۵: ۸) روح خدا در درون شماست و قادر است شما را هدایت کند.

شما باید اجازه دهید تا روح خدا هدایتتان نماید. باید ایمان داشته باشید که می توانید صدای پدر آسمانی خود را بشنوید. باید بدانید که اگر در اطاعت زندگی کنید خدا قادر است شما را هدایت کند. وقتی مطیع هستید روح خدا با روح شما درباره مسائل مختلف صحبت می کند. اما هنگامی که شخصی به شما پیشنهادی می دهد نباید خودبینانه به آن پاسخ دهید که تنها من می توانم حرفهای او را بشنوم و تنها این منم که در او ساکنم. چنین افکاری می تواند شما را در چاهی عمیق سرنگون سازد.

یک لایه ضخیم غبار می تواند روح و جان شما را از هم جدا سازد. به یاد آورید که جان شامل فکر، اراده و احساسات است و همه اینها می توانند

تحت تأثیر دنیا قرار گیرند. شاید خدا مدتها با شما آشکارا صحبت کرده باشد اما شما در مقابل اجازه نداده اید این پیغامها وارد ضمیر شما گردد و پنداشته اید که اشتباه شنیده اید. شما اطمینان نداشتید که آن صداها صدای خداست. در چنین وضعی ممکن است خدا افرادی را برای تأیید آنچه که به شما گفته به نزد شما بفرستد. این عمل به آن معنی نیست که شما توسط فرد دیگری هدایت شده اید. روح خدا به سادگی از طریق اشخاص دیگر با شما سخن می گوید و آنچه را که پیشتر به خود شما گفته و روحتان قرار داده بود را تأیید می کند. این تأیید باعث می شود تا کلام خدا برایتان آشکار شده و دریابید آنچه را که شنیده بودید به راستی کلام خداست.

تشخیص صدای خدا دارای اهمیت بسزایی است. اگر شخصی برای شما نبوتی کرد و آن پیام با چیزی که قبلاً روح القدس به شما گفته بود متفاوت بود، مضطرب نشوید زیرا آن شخص الزاماً یک نبی کاذب نیست، بلکه ممکن است با گفتن یک پیام روحانی از کلام خدا تنها قصد برکت دادن به شما را داشته باشد. اگر نبوتی موافق با روحتان نبود اجازه ندهید شما را هدایت نماید. در عهد جدید افراد به وسیله روح القدس که در روحشان ساکن گردیده است هدایت می شوند. روح شما به شما شهادت خواهد داد و نیازی به تعلیم و نبوت افراد دیگر نیست همانطور که در اول یوحنا ۲: ۲۷ می خوانیم: «و اما در شما آن مسح که از او یافته اید ثابت است و حاجت ندارید که کسی شما را تعلیم دهد بلکه چنانکه خود آن مسح شما را از همه چیز تعلیم میدهد و حق است و دروغ نیست، پس به طوری که شما را تعلیم داد در او ثابت می مانید».

نبوت باید با آنچه روح القدس در روح شما قرار داده موافق باشد. یک نبوت می تواند با قدرت آمده و در روح شما تأییدی به همراه بیاورد. اگر من نبوت کنم که خدا شما را با قدرت به کار خواهد گرفت، ممکن است عقل شما

آن را نپذیرد ولی متوجه خواهید شد که روح آن را تأیید می کند و احساس می کنید که حقیقت است. این تأییدی است در درون شما و روح شما می گوید که ابا، ای پدر این صحیح است. درک چگونگی هدایت روح القدس اهمیت زیادی دارد در غیر این صورت قادر نخواهید بود از روح خدا هدایت شوید.

شرایط فریبنده

دانش مکاشفه ای و دانش طبیعی کاملاً با هم متفاوت هستند. بنابراین اگر اجازه دهید تا نصیحت‌های افراد، شرایط مختلف، احساسات و دانش بشری شما را هدایت نمایند، دچار هدایت نادرستی شده اید. لذا اجازه ندهید تا شرایط مختلف هادی شما باشند... این مطلب کمی افراطی به نظر می رسد که شخصی بگوید: «اگر خدا دری را بگشاید من خواهم رفت و اگر آن در باز نباشد نخواهم رفت چون خواستار انجام اراده خدایم». این موضوع تنها در برخی موارد صدق می کند چراکه این یک حقیقت مسلم است که در این دنیا هم خدا و هم شیطان درهائی را باز و بسته می کنند. هنوز شیطان حاکم دنیاست و تمام این دنیا تحت تسلط او قرار دارد در نتیجه اگر معتقد باشید که تنها از دره‌های گشوده می توانید عبور کنید، شیطان می تواند آن در را از روی شما ببندد. او قادر است دره‌های زیادی را ببندد و در این صورت هرگز نمی توانید به آنچه خدا از شما می خواهد برسید. اگر بدانید خدا در روح به شما چه گفته است دیگر به وسیله دره‌های باز و بسته، شرایط مختلف و نظر مردم هدایت نخواهید شد و دیگر اهمیتی ندارد که تمامی دره‌های این عالم به روی شما بسته باشد. هنگامی که پولس در دمشق بود (اعمال ۹: ۲۳-۲۵) تمامی درها بروی او بسته گشت، آنان شبانه روز به دروازه‌ها پاسبانی می دادند تا او را بکشند. پس شاگردان او را در شب در زنبیلی گذاردند و از دیوار شهر پایین فرستادند. پولس خود پیشگامی کرد او می دانست که خدا

به او امر کرده که به نزد امتهای و غیر یهودیان برود، پس به اراده خدا شک نمود و درهای بسته را پشت سر نهاد و بیرون رفت تا اراده پدر را به جای آورد. شما در صورتی می توانید به ترتیب عمل نمایید که بدانید روح القدس بر طبق کلام خدا به شما چه گفته است. وقتی بطور مرتب و مداوم کلام خدا را مطالعه می کنید، روحتان را تغذیه می کنید و آن را قوی می سازید. هنگامی که روح شما قوی باشد، قادر خواهید بود به اراده خدا پی ببرید. آنگاه خواهید فهمید او چه می خواهد و افکار او چیست.

مطابق با کلام خدا

کتاب مقدس می گوید هنگامی که شب و روز در کلام خدا تفکر کنید در هر کاری که از جانب خدا بر عهده شماست پیروز خواهید گشت، و این نقطه مقابل شکست است. کلام خدا در مزامیر باب اول می فرماید: «بلکه رغبت او در شریعت خداوند است و روز و شب در شریعت او تفکر می کند (کلام خدا) پس مثل درختی نشانده نزد نهادهای آب خواهد بود که میوه خود را در موسم می دهد و برگش پژمرده نمی گردد و هر آنچه می کند نیک انجام خواهد بود».

تفکر شبانه روز در کلام خدا موفقیت شما را در انجام کارهایتان تضمین می کند و روح شما را قوت می بخشد. (یوشع ۱: ۸)

خواندن کلام خدا لازمه هدایت شدن از روح القدس است. هنگامی که فکر مسیح و شهادت روحتان که با قدرت رشد کرده را دارید، برایتان شنیدن گفته های پدر آسان خواهد بود. وقتی او سخن می گوید دیگر اهمیتی ندارد که دنیا و مردم آن چه می گویند. آنها هر چه دوست دارند می توانند بگویند اما شما قادرید بگویید: «من می دانم پدر چه فرموده و چه قولی به من داده است می دانم که در من ساکن است چون با من صحبت کرده است. من در مقابل تخت سلطنت او ایستاده و او با روح من سخن گفته

است. او هر آنچه را که باید انجام بدهم به من گفته و همه چیز همانطوری که او وعده داده انجام میشود».

خدا با روح شما صحبت می کند و بطور دقیق به شما می گوید چه کاری باید انجام دهید. اما فکر انسانی شما مخالفت می کند و با شما به بحث و جدل می پردازد که این مسئله نمی تواند به این سادگی باشد، زندگی بسیار پیچیده تر است. سپس احساساتتان بسوی پیچیدگی می رود و مدعی می شود که این احساس درستی نیست. بعد از آن اراده شما سست می شود و سبب می شود تا شما در خانه بمانید و به جسم خسته خود استراحتی بدهید.

همانطور که می دانیم جان شما شامل فکر، احساسات و اراده شماست. این سه می توانند بدترین دشمنان شما باشند مگر آنکه تحت تسلط روحتان قرار گیرند. شما نباید منطق عقل انسانی خود را بپذیرید بلکه در مقابل باید به افکار خدا که فوق افکار شماست توکل نمایید. این اعتراف نیکو را بنمایید که دارای فکر مسیح هستید و افکار خدا را دارید. اراده شما نیاز دارد که آنقدر قوی شود تا اراده خدا بتواند در شما کار کرده و سبب شود آنچه را که خدا می خواهد انجام دهید. شما باید برای یکی شدن احساساتتان با کلام خدا اصرار بورزید. روح شما باید کنترل زندگیتان را در دست بگیرد، تنها در این صورت اراده خدا را انجام خواهید داد و تحت کنترل احساسات نخواهید بود.

نیروی عقلانی شما باید به خدا تقدیم شود

ممکن است در طی یک جلسه روحانی برای پیروی از خداوند و صید جانها برای او بسیار مشتاق باشید اما هنگامیکه در همان روز همسایه خود را ملاقات می کنید دیگر آن اشتیاق در شما نباشد. در آن لحظه شیطان از روی تمسخر می گوید: «چرا بشارت نمی دهی، حوصله اش را نداری؟ برو

شجاعتت کجا رفته؟» شیطان از احساسات شما برای تحت تأثیر قرار دادن روحتان استفاده می کند و می خواهد هر آنچه را که خدا به شما داده از شما بدزد. هیچگاه اجازه ندهید عقل انسانی، شرایط مختلف و احساسات شما را هدایت کنند. خدا چیزی بر ضد عقل شما ندارد. شما عقل و فکری عالی دارید زیرا روح خدا در شما ساکن است، او ملجایی است که می توانید به آن تکیه کنید.

هرگز اجازه ندهید کسی شما را احمق و خرافاتی خطاب کند. عقل شما باید به همان منظور که آفریده شده مورد استفاده قرار گیرد، یعنی باید در اختیار روح شما باشد تا در زمان لازم اطلاعات و دانش مورد نیاز را در اختیارتان بگذارد. اما همیشه جسم بر ضد افکاری است که از جانب خدا صادر می گردند و خواستار آن است تا کنترل شما را در دست گیرد، شما در این وضع باید تصمیمی قاطع گرفته و به جسم خود اعتنا نکنید.

در رومیان ۸: ۱۲ می خوانیم: « بنابراین ای برادران مدیون جسم نیستیم تا بر حسب جسم زیست نماییم». این موضوع تنها درباره گناهان شهوانی و خواهشهای جسمانی نیست، بلکه همچنین به این مفهوم است که نباید تحت کنترل افکار، اراده و احساسات خود باشیم.

هر چیزی که به خوبی پیش برود الزاماً درست نیست

می خواهم برایتان در این مورد که چگونه می تواند نه توسط شرایط مختلف بلکه توسط روح خدا هدایت شود از زندگی خود نمونه ای را عنوان نمایم. هنگامی که دانشجوی الهیات بودم احساس کردم خواست خداوند این است که به بنگلادش بروم. این پیغام مرا بسیار هیجان زده نمود چون همواره آرزویم موعظه کردن در سراسر جهان به عنوان یک میسیونر بود. من احتیاج بنگلادش به پیغام رهایی بخش انجیل را به وضوح می دیدم و مشتاق بودم به آنجا بروم. شرایط عالی به نظر می رسید، یک دوره کارآموزی بشارت

را پشت سر گذارده بودم و تجارب بسیار خوبی داشتم. پیغام را نیز در یک جلسه دعا که روح خدا همه ما را فرا گرفته بود دریافت کرده بودم. لذا تصمیم گرفتم این پیغام را بپذیرم. تقریباً بعد از گذشت سه ماه در روح خود احساس ناآرامی کردم. دیگر از این پیغام نه لذت می بردم و نه نسبت به آن هیجانی داشتم. این تصمیم از نظر همه تصمیمی فوق العاده بود، اما روح من چیز دیگری را می خواست.

بعد از گذشت چند ماه نسبت به اتفاقی که در شرف وقوع بود کنجکاو شدم. با همسرم صحبت کردم و او صریحاً گفت که هیچ پیغامی برای سفر به بنگلادش از جانب خداوند دریافت نکرده است. او هم نمی دانست چرا. هر دوی ما زانو زدیم و دعا کردیم و روح خدا به ما گفت: «شما اصلاً به آنجا نخواهید رفت بلکه راهی مکانی متمایز خواهید شد».

هنگامی که ما با روح خدا هم رای شدیم، آرامش یافتیم، آرامش یکه فراتر از درک ما بود. ما دریافتیم با وجود عالی بودن شرایط، پیغامی که گرفته بودیم اشتباه بود، در وقت و مکانی اشتباه. این مطلب به این معنی نیست که اگر من به بنگلادش می رفتم خدا مرا برکت نمی داد، بلکه آن برکت دیگری را که بسیار کاملتر از این برکت بود و خداوند در جای دیگری قصد داشت آنرا به من بدهد، دریافت نمی کردم. او برای من و شما چیزهای عالی را می خواهد.

چیزی که درست است می تواند به نظر احمقانه برسد

هنگامی که تصمیم گرفتم به بنگلادش بروم، به نظر رسید که تمام شرایط بر ضد ما شروع به حرکت نمود. قرار بود به یک دانشگاه الهیات در آمریکا بروم، اما من نه ویزا داشتم و نه پول. هیچ کس نمی خواست که من به آن دانشگاه بروم. در همه جا مخالفت و تضاد بود. حتی یک چیز هم در موافقت با ما قرار نداشت. اما خدا با ما بود، خدا قصدش را به روح من گفته

بود و من می دانستم که وعده های خدا همواره عملی خواهند شد. من در روح خود کاملاً مطمئن بودم. می دانستم که تمام شرایط مجبورند در برابر خواست خدا تسلیم شوند. حتی تا آخرین لحظات شرایط به سختی پیش می رفت، مثلاً خانه ما به آسانی به فروش نرسید. اما من می دانستم که همه مشکلات به آسانی حل خواهند شد و همه چیز همانطور که خدا می خواهد پیش خواهد رفت. هنگامی که ما صدای خدا را شنیدیم و اراده او را انجام دادیم و با قدرت در روح دعا کردیم، روح ما با قوت رشد نمود. من هر روزه ساعتها به روح دعا می کنم زیرا قدر فرصتها را می دانم و این یک موقعیت ویژه است. چرا؟ به این دلیل که می خواهم روح خود را رشد دهم و می خواهم در هر موقعیتی با پدر آسمانی خود باشم.

هنگامی که شما به زبانه دعا می کنید، روح شما قدرت می گیرد و آماده می شود تا آنچه را که روح القدس به شما می گوید به آسانی بشنود. بنابراین می توانید به آسانی بیرون بروید و هر آنچه را که خدا از شما خواسته است انجام دهید. اما به محض اینکه روح خدا با شما صحبت می کند، شیطان می آید تا شما را مأیوس و دلسرد نماید. او سعی می کند تا شما را متقاعد سازد که موفق نخواهید شد و یا این کار در وقت نامناسبی است و باید به سبک دیگری انجام شود. اگر شما به او گوش دهید ثابت خواهید ماند و کاری انجام نخواهید داد و او نیز پیغام خدا را از شما می دزدد. خدا با اکثریت افراد در سوئد در مورد مسائل کوچک و بزرگ سخن گفته است، اما در زندگی آنها تغییر بزرگی رخ نداده است. می دانید چرا؟ چون آن شخصی نپذیرفته و اراده خدا را باور نکرده است. بیشتر مواقع افراد اجازه می دهند فکر، احساس و اراده آنها، بر آنها تسلط داشته باشد. بنابراین از آنچه خدا می خواهد و اراده اوست دور و دورتر میشوند. در چنین شرایطی آنها از رشد سریع در روح که خدا خواستار آن است محروم میشوند. البته این مسئله

منجر به محکومیت شخص نمی شود. اگر یک بچه کوچک در حین راه رفتن بارها به زمین بیافتد دلیل آن نیست که او هرگز راه رفتن یاد نخواهد گرفت و به این دلیل که برای یاد گرفتن بارها به زمین می افتد نباید دست از سعی و تلاش بردارد. متأسفانه بسیاری از مسیحیان به سادگی و به واسطه اولین افتادن دست از تلاش می کشند. آنها یک بار تلاش می کنند و اگر به نتیجه نرسیدند فوراً دلیل و برهان می آورند که برای این کار مناسب نیستند. شخص دیگری باید این وظیفه را بر عهده گیرد. خداوند این را نمی خواهد، او می خواهد تا شما را هدایت نموده و به جلو براند، در چنین صورتی شما در روح قوی تر و حساستر خواهید شد. علی رغم وقفه های در پیشرفت، اگر استقامت و پافشاری داشته باشید، برای یک کار همان شخص تعیین شده در زمان و مکان مناسب خواهید بود. شما همیشه کارهای درستی را انجام خواهید داد، چون روح خدا شما را به عالیترین راهها هدایت می کند. خیلی مواقع خداوند مرا به طریق شگفت انگیزی هدایت می کند و مرا قادر ساخته تا در زمان مناسب در مکان صحیح قرار گیرم. در چنین شرایطی همواره نتایج عالی بوده اند.

خدا ثمرات می خواهد

خدا می خواهد تا زندگی شما همراه با ثمرات باشد. وقتی که خدا به شما تعلیم می دهد که صیاد جانها باشید، او انتظار ندارد که کنار ساحل استراحت کنید و یا با ماهی ها رفتاری دوستانه داشته باشید، او می خواهد شما آنها را صید کنید. هنگامی که خدا می گوید بروید و بذر افشانی کنید، از شما انتظار دارد تا محصول را نیز درو کنید. هنگامی که خدا شما را به عنوان یک کارگر برای برداشت محصول می فرستد باید محصولی را برداشت کنید. به منظور ثمر آوردن باید از روح القدس هدایت شوید و مطمئن باشید که خدا توسط روحش به عالیترین طریق شما را هدایت خواهد نمود. بسیار اهمیت دارد که

در روح‌تان حساس و دقیق باشید و دریابید که خداوند از شما چه چیزی می‌خواهد. عیسی به ما وعده داده است که روح القدس ما را به جمیع راستی‌ها هدایت خواهد نمود. این بدان معنی است که ما هنوز تمام راستی را در خود نداریم و نیازمند رشد هستیم و او باید ما را به جمیع راستی هدایت نماید.

پیش‌دانی امید بخش

روح القدس خواستار آن است که شما را از اتفاقاتی که در شرف وقوع هستند آگاه سازد. اغلب افراد می‌پندارند که این مسئله در ارتباط با آشکار سازی زمان بازگشت عیسی مسیح برای ماست. اما این معنی اصلی آن نیست. روح القدس می‌خواهد به شما بگوید چه اتفاقی در زندگی شما در حال وقوع است. او می‌خواهد برای شما آشکار کند که چگونه قصد دارد شما را به کار گیرد. هنگامی که با او صحبت می‌کنید، باید به او ایمان داشته باشید. زمانی که وعده‌های خدا را باور می‌کنید و آنرا برای زندگیتان خواستار می‌گردید، آن وعده‌ها در زندگی شما عملی خواهند شد، آنگاه او نیز شما را هدایت کرده و به کار می‌گیرد. روزی را به یاد می‌آورم که در قطار نشسته بودم و در حالتی بین خواب و بیداری بودم، ناگهان روح به من گفت چند هفته دیگر یک نامه دریافت خواهی کرد، آگاه باش که آن تنها یک دام است، مراقب باش و به آن نامه جواب نده، برای شخصی که نامه را نوشته دعای برکت کن ولی به آن نامه عمل نکن. خداوند حتی نام نویسنده را نیز برای من آشکار ساخت. وقتی که آن نامه به دستم رسید، دقیقاً می‌دانستم چه کاری را باید انجام دهم. برای فرستنده آن نامه دعای برکت کردم اما به درخواست نوشته شده در آن نامه عمل نکردم. بعد تأییدی دریافت کردم که نشان می‌داد همه چیز همانطور بود که خداوند برای من آشکار ساخته بود.

خداوند بطور عملی ما را هدایت می کند

هنگامی که به دعا وقت می دهید ثمرات را مشاهده خواهید کرد. در دوره ای که من خود را برای شروع دانشگاه الهیات آماده می کردم، مدتی طولانی در روح دعا می کردم و کلام خدا را می خواندم. اغلب پیش می آمد که روح القدس با من صحبت می کرد و برای کارهای عملی که دور از انتظار من بود، مرا هدایت می نمود: «این کار را انجام بده!» من اطاعت می کردم و همه چیز نیز به درستی انجام می پذیرفت.

آیا ممکن است به این چیزها در حین صحبت به زبانها فکر کرد؟ آیا عیسی نباید زبانهای شما را پر بسازد؟ مطمئناً! هر چیزی را که خداوند در ذهن شما می آورد روی کاغذ بنویسید. شما قادر به دیدن تصاویر بزرگ نیستید، اما هنگامی که در روح دعا می کنید راحتتر قادر به درک آن تصاویر خواهید بود اگرچه آنها نمی بینید. مثلاً وقتی خداوند از شما می خواهد به فردی تلفن بزنید، هنگامی که آن شخص گوشی تلفن را بر می دارد در انتظار شخصی بوده است که برایش دعا کند. خداوند از طریق شما به درخواست و نیاز این فرد پاسخ داده است. شما تحت کنترل و هدایت روح خدا هستید. شاید احساس کنید تا به حال خدا از این طریق با شما صحبت نکرده است، اما باید بدانید که احساس شما درست نیست.

فرزندان خدا از روح خدا هدایت می شوند. پدر فریاد نمی زند و از تخت سلطنتش با صدایی بلند به ما فرمان نمی دهد بلکه روح خدا در روح ما سخن می گوید. روح شما همان انسانیت درونی شماست، و صدایش مانند شماست چون انسانیت درونی شما از شما جدا نیست. این صدا از درون شما صادر می شود و گاهی چون برای شما خیلی غیر معمول است، می اندیشید که افکار خودتان بوده است، اما ندایی از درون شما شهادت می دهد و این پیغام را تأیید می کند. هر آنچه که از خدا صادر می گردد نیکوست و قابل

قبول و عالی بوده و شما را بنا می کند و عیسی را در رأس زندگیتان قرار می دهد. این افکار را جدی بگیرید، حتی اگر کوچک به نظر برسند. ایمان داشته باشید که از خداوند هستند، شجاعت داشته باشید تا آنها را پذیرفته و مطابق آنها عمل نمایید.

حکمت برای مشورت دادن

یک روز که با یکی از دانشجویانم صحبت می کردم، متوجه شدم که احتمالاً با پدرش مشکلاتی دارد. من در این مشاوره با تئوری ها و پندهای روحانی پیش می رفتم، اما به جایی نرسیدم. بعد از لحظاتی دریافتم که مشکل اصلی مشکل ایمانی است. اما عقل من با این مسئله مخالفت می کرد. سرانجام دل به دریا زدم و پرسیدم: «تو با پدرت مشکلی داری؟ ناگهان او شروع کرد به اشک ریختن «بله یک مشکل خانوادگی و قدیمی» آن شخص به واسطه درک و حکمتی که خداوند بخشیده بود از مشککش آزاد شد. بعد از این آزمون من شجاعتر شدم و متوجه شدم که روح خدا قادر است خیلی بیشتر مسائل را آشکار نماید. بعد از گذشت دو سال، روح القدس مرا تعلیم داد تا از آنچه در مشاوره ها تجربه کرده بودم در ابعاد وسیعتری استفاده نمایم. در خدمت روحانی در یک گروه و یا کلیسا نیز وضع به همین منوال است. شما از افکاری سخن می گوئید که از روحتان صادر میشود و افکار خداست. شما به این شکل افکار خدا افراد را یاری کرده و آنها را بنا میشوند، برکت می گیرند، قوت می یابند، شفا می گیرند و آزاد میشوند.

خدا می خواهد تا از این طریق شما را به کار گیرد. این به این معنی نیست که راه حل‌هایی را که به فکرتان می رسد نگوئید، بلکه خواست خدا برکت یافتن افراد است، شما تنها باید از روح القدس هدایت شوید که در این صورت افکار خدا را خواهید داشت. ولی اگر در موردی درباره تشخیصی که داده اید مطمئن نیستید از خداوند بخواهید به شما تأییدی بدهد تا مطمئن

شوید که این افکار از خداست. او چون خواستار فهمیدن شماست همه چیز را برایتان آشکار خواهد نمود.

توجه کنید! خداوند سخن می گوید

روزی در یک موقعیت خاص کلماتی به قلب من آمد که فکر کردم از عقل انسانی من است. به آنها اهمیتی ندادم. دوباره تکرار شد، باز آنها را رد کردم. ناگهان خداوند به وضوح به من فرمود: «ولف این من هستم که با تو سخن می گویم!» این کلمات پیغامی روحانی برای خدمتم نبود، تنها می خواستند به من یادآور شوند که باید از او اطاعت کنم و صدای او را بشنوم. خداوند به تازگی نیز نظیر چنین تجربه و یادآوری را برای من تکرار نمود. تا زمانی که هنوز به صدای او عادت نکرده ایم و صدای او را تشخیص نمی دهیم باید انتظار چنین یادآوری هایی را داشته باشیم. او نمی خواهد به ما تنها یک کلمه یا یک جمله را بگوید. چیزهای بسیاری وجود دارد که خداوند می خواهد راجع به آنها با ما سخن بگوید. یک روز با پدرم با ماشین مرکز سوئد می رفتیم. او سر صحبت را باز کرد و گپ دوستانه ما حدود پانزده دقیقه به طول انجامید. من از او سئوالاتی می پرسیدم و او به صحبت ادامه می داد. ما درباره وقایع جهان، مشکلاتمان یا چیزهای روحانی صحبت نمی کردیم. ما فقط گپ می زدیم و او راجع به آینده صحبت می کرد. او با من صحبت می کرد و من نیز نظریاتم را درباره مسائل مختلف با او در میان می گذاشتم. عالی بود! این یک مصاحبت عالی و لذت بخش بود. این موقعیت شبیه وضعیتی بود که خدا در باغ عدن با انسان داشت. یعنی مصاحبت و دوستی. خدا خواستار دوستی و مصاحبت با شماست. اما چگونه چنین چیزی اتفاق می افتد؟ روح شما و روح او با هم ارتباط برقرار می کنند.

انجام شدن در زمان درست

چه اتفاقی در مورد بنگلادش افتاد؟ آن نبوت همیشه در ذهن من بود. خداوند موقعیت دیگری برای من فراهم کرد تا به بنگلادش بروم. من با برادری که برای میسیونری به آنجا رفته بود همراه شدم و چهارده روز در آنجا ماندم. ما نجات و تعمید روح صدها نفر را در آنجا شاهد بودیم، و دیدیم که انبوهی از مردم شفا گرفتند. برکات عالی در وقت مناسب اتفاق می افتند. آن وقت زمانی است که روح القدس تعیین می کند. در آن نبوت خدا به من وعده داده بود که به بنگلادش می روم و مخصوصاً درباره زنها و بچه ها تأکید شده بود. در آن سفر من این واژگان را به یاد آوردم. در آن دو هفته متوجه شدم که اکثراً زنها بودند که می ایستادند و شفایشان را شهادت می دادند. ما همچنین دیدیم که بالغ بر شصت پسر نوجوان که سن آنها بین ۷ تا ۱۲ ساله بود در یک زمان از روح القدس تعمید گرفتند. خدا در آن نبوت فرموده بود: «اول از همه زنان و کودکان».

نجات یافته توسط خدا!

من و چند نفر از دوستانم برای یک ملاقات به مکانی دور دعوت شده بودیم به حدی که مجبور بودیم تمام شب را رانندگی کنیم. راننده تازه گواهی نامه رانندگی گرفته بود و بسیار هم سریع می راند. من از خداوند پرسیدم آیا می توانم بخوابم یا باید برای اطمینان خاطر بیدار بمانم. خداوند به من اطمینان بخشید که می توانم بخوابم. این مسئله شگفت انگیز است که ما می توانیم جوابهایمان را در بعضی مواقع مستقیماً دریافت کنیم. کافیست گوش بدهیم، او سخن می گوید. من دراز کشیدم و چرت زدم. ناگهان از خواب پریدم و ندایی از درون روحم به من گفت «سریعاً به راست بپیچ!» راننده در وسط جاده می راند، او می خواست با تعدادی موس (نوعی گوزن) که در آن منطقه تعدادشان زیاد بود برخورد نکند، من آن ندا را با صدای بلند

فریاد زدم، راننده ناخودآگاه به طرف راست تغییر جهت داد و همین باعث شد ما به یک گاو که در وسط جاده بود و ناگهان جلوی ما ظاهر شد برخورد نکنیم. ما از خدا خواسته بودیم که ما را در برابر موسها محافظت کند نه در برابر گاوها!

اگر از عقل خود پیروی کرده بودم که راننده را در آن لحظه مشوش نسازم، با آن حیوان تصادف می کردیم. این موضوع دارای اهمیت به سزایی است چرا که ما باید گاهی اوقات که روح القدس چیز خاصی را به ما می گوید سریعاً واکنش نشان دهیم. ما احتیاج داریم که از روح القدس هدایت شویم نه به وسیله شرایط، عقل و یا آنچه مردم تصور می کنند.

مردم، شرایط و احساسات اغلب طریقه‌های شریر برای متوقف کردن ما در خدمت خدا هستند. همه ما ستیزه و مخالفت را تجربه خواهیم کرد و نمی توانیم از آن فرار کنیم، چون شیطان می داند ما را در کجا می تواند پیدا کند. شما نیز این جنگ روحانی را تجربه خواهید کرد. شما باید توسط روح خدا هدایت شوید. ما در جنگی روحانی قرار داریم و نمی توانیم متوقف شویم و یا سلاحهای خود را به سربازان دیگری بدهیم. ما باید برویم و هر آنچه را که خدا می گوید انجام دهیم.

آزاد ولی در حفاظ

در این نبرد گاهی ممکن است به سختی احساس تنهایی کنید. شما سربازان دیگری نیز در اطراف خود دارید اما نمی توانید برای هر چیز کوچک نزد آنها بروید و سؤال یا درخواستی داشته باشید. شما باید سلاحهای خود را بشناسید و از آنها استفاده کنید. یوئیل ۲: ۷ می گوید: «آنان مثل جنگاوران حمله می کنند و مانند سربازان از حصار بالا می روند و در صفوف منظم حرکت می کنند». شما باید توسط روح خدا هدایت شوید و گرنه شیطان حمله می کند و اسلحه شما را می دزدد. حتی فکرش نیز مرا می

هراساند که سلاح خود را از دست بدهم. ساده ترین راه این است آنچه را که می دانیم باید انجام دهیم کنار گذاشته و منتظر فرصت دیگری باشیم. بارها پیش آمده که ما ترجیح داده ایم به جای اطاعت از خداوند استراحت کنیم و یک فنجان چای بنوشیم. ما نباید در حالت استرس و تنش دائمی زندگی کنیم، باید در آرامش و اطمینان خاطر هر آنچه را که خدا از ما می خواهد انجام دهیم. من عاشقانه علاقمند هستم هر آنچه را که خداوند از من می خواهد انجام دهم حتی اگر خواهش جسمانی من مخالف اراده خداوند باشد از او اطاعت می کنم. اطاعت از خدا همیشه به ساعتها دعا نیاز ندارد. وقتی که اطاعت می کنید آرامش می یابید. اطاعت از خدا به شما قوت و تازگی می بخشد. باید بدانیم که این اطاعت نیازمند پاسخها و واکنشهای مذهبی نیست. شما بسادگی می توانید خودتان باشید. شما توسط روح خدا هدایت می شوید و هر آنچه را که او به شما می گوید نه کم و نه زیاد انجام می دهید. اهمیت ندارد که دیگران چه فکری می کنند، تنها کاری را انجام بدهید که پدر از شما انتظار دارد.

از تله ها دوری کنید

در مواقعی که شیطان سعی می کند شما را فریب بدهد شگفت انگیز ترین کار این است که توسط خداوند هدایت شوید. یک میسیونر جوان در گواتمالا با چند نفر دیگر در سفر بود که ناگهان با ترافیک شدیدی که ناشی از تصادفی سنگین بود برخورد کردند. اتوبوسی در یک گودال افتاده بود و تعداد زیادی زخمی شده بودند. احساسات میسیونر جوان با او به جدل پرداخت تا به ایستد و کمک کند، اما میسیونر بزرگتر مانع ایستادن آنها شد. میسیونر جوان سعی کرد تا دلیل بیاورد ولی فایده ای نداشت. روز بعد در روزنامه خواندند که تعداد زیادی از افرادی که برای کمک توقف کرده بودند در اثر انفجارهایی کشته شدند. این یک حقه چریکی برای متوقف کردن و

کشتن مردم بود. میسیونر جوان بی تجربه بود و به احساسات خود واکنش نشان داد. ولی میسیونر بزرگتر به روح خود پاسخ مثبت داد. خداوند در روح به او گفته بود توقف نکن. آنها تنها به دلیل اطاعت از صدای خدا محافظت شدند.

هنگامی که در اراده خداوند زندگی می کنید در حفاظت هستید روح خدا با شما سخن می گوید و شما را هدایت می کند. او همواره می خواهد تا از شما حفاظت کند. هر گاه او در درون روح شما صحبت کرد، اطاعت کنید حتی اگر به نظر می رسد که صدای خودتان است. هنگامی که شما برای انجام اراده خدا شهامت پیدا کنید، هر چیز که در آن قرار دارد (قدرت، تقدیس و...) به شما عطا میشود. اکنون با شهامت شده اید و می توانید در برابر شرایط مختلف ایستادگی کنید. گفته های منفی از شما دور خواهند شد، چون دیگر می دانید که خدا چه گفته است. از پس مخالفتها بر می آید و سست و متزلزل نمی شوید. متقاعد شده اید که همه چیز همانطوری که خدا فرموده است انجام می شود. هیچ کس نگفته که زندگی مانند باغی است پر از گل‌های رز و شادکامی ها. شما در یک جنگ روحانی هستید و گاهی این نبرد بسیار سخت و سنگین میشود. سنگرها خواهید کند، می جنگید و زخمی می شوید. بله همواره آسان نیست. اما خدا با شماست. حتی اگر جاده سخت و ناهموار باشد، از سفر لذت خواهید برد، زیرا روح القدس شما را هدایت می کند.